ج)استظهار اضافه حقیقی در «هلال رمضان»

(27:17)

الآن عرف بباب‌کم؛ مغرب است و هنوز شب نشده، روی حساب مشهوری که در جلسه قبل گفتم هنوز اذان نگفته اند؛ هر کسی این حدیث را بخواند «إِذَا رَأَيْتَ الْهِلَالَ فَلَا تَبْرَحْ وَ قُلِ...»، می‌گویی من که هلال را دیدم، هنوز ده دقیقه تا مغرب مانده است؟! «لاتبرح» یعنی من تکان نمی خورم [و «و قل» باید در شب باشد]؟! این جور به ذهنش می‌آید؟! ای نه، اصلاً ذهنش سراغ این‌ها نمی‌رود. چون هلال شهر رمضان را حقیقی می‌داند. نه یک تعبیری مجازی. یعنی هلال باید برای ماه مبارک باشد تا تو بایستی و دعا بخوانی. لذا تا آن را دید، دعا را می‌خواند.

خب سؤالی که نیازمند مراجعه به ارتکاز متشرعه است، این است که وقتی هلال را در ساعت سه دیدند؛ سه بعد از ظهر هلال شوال را دیدند، کسی که این حدیث را دیده چه کار می‌کند؟ عرف عام چه کار می‌کنند؟ الآن بعد از ظهر سی ام ماه مبارک است. ساعت چهار هلال درست شده بود و آن را دیدند. زیاد هم دیده شده است. در فدکیه صفحه‌ای به نام رؤیت هلال در روز هست. مفصل است. اینجا «لاتبرح» شامل حال او می‌شود یا نه؟ اگر بگویی واقعاً هلال شهر است، «لاتبرح» او را می‌گیرد. اما اگر بگویی یک مجازی برای دخول بود، «اذا رایت الهلال» یعنی باید شهر داخل شده باشد تا تو دعا را بخوانی. اگر این جور باشد نمی‌تواند بخواند. به گمانم نزدیک غروب، متشرعه تردید نمی‌کنند. نمی‌گویند هنوز ده دقیقه مانده است. به گمانم یک نفر تردید نمی‌کند. شما هم که می‌گویی سید گفته اند صبر کنید، سید اینجا را نگفته اند. آن جا زمانی است که می‌گویند دعا عند دخول الشهر است. اگر این جور باشد طبق ضابطه مانعی ندارد. اما اینجا که می‌گویند دعای رؤیت هلال بخوان، می‌گویند اگر زوال حمره نشده و هلال را دیدی، صبر کن بعد بخوان؟! گمان نمی‌کنم با این فاصله اندک اینطور بگویند. ولی فاصله بیشترش را نمی‌دانم. چون می‌خواهم فضای ذهن شخصی را به فضای بحث تحمیل نکنیم. بلکه دنبالش می‌رویم تا مطمئن بشویم.

شاگرد: تلازم دارد که ماه هم از همان موقع شروع بشود؟ شما می‌فرمایید اگر اضافه حقیقی باشد... .

استاد: من از اضافه حقیقی برای شخص استفاده می‌کنم. من می‌خواهم بگویم وقتی شما در ساعت سه بعد از ظهر هلال را دیدید، می‌گویید هلال شهر است. هلال که چندتا نیست. این هلال، هلال شهر است ولی ساعت چهار ما است. خب الآن برای عده‌ای دیگر غروب است. همین هلالی که من می‌بینم و برای آن هایی که وقت غروبشان است و همین هلال را می‌بینند، شخص است. من می‌خواهم از اینکه شما رؤیت هلال را به‌عنوان یک پدیده به محاسبه از شب بندش نمی‌کنید، استفاده کنم که هلال و رؤیت آن و وجودش، شخصی ای است که دخول شهر بر آن متفرع می‌شود. پس دخول شهر هم به‌عنوان امری که صرفاً بر اهلال هلال متفرع است، شخصی است. ولو نسبت به بقاع از سر ان‌چارای آن را نوعی بکنید. محاسبه را تغییر بدهید و .... این منظور من است.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 15:17:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 15:24:10 توسط ... .